

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

نوشته از : عارف ویتگانگ\* - چهل ستون کابل افغانستان  
فرستنده آزاد ل.  
۰۲ مارچ ۲۰۱۴

## وصیت نامه شرعی و یا عرفی؟

من از شب های تاریک بدون ماه می ترسم  
مرا از جنگ رو در روی در میدان گریزی نیست  
من از صد دشمن دانای لامذهب نمی ترسم  
من از تهدید های ضمنی ظالم نمی ترسم  
نه از شیر و پلنگ، از این همه روباه می ترسم  
ولی از دوستان آب زیرکاه می ترسم  
ولی از زاهدی عقل نا آگاه می ترسم  
نه از سختی ره، از سستی همراه می ترسم  
نمی ترسم ز درگاه خدای مهربان اما  
ز برخی از طرفداران این درگاه می ترسم  
خدای من ، نمی دانم چرا از تو نمی ترسم  
ولی از این برادرهای حزب الله می ترسم

با خواندن درد دل های رفقاء و دوستان خوبم و باز تاب آن در پورتال انقلابی و شریف (افغانستان آزاد - آزاد افغانستان) به خود جرأت داده من هم به نوبه خود فریادی که گلو، قلب و سراسر وجودم رساله است مثل آتش می سوزاند، خواستم شمه ای از آن را با نوشتن و ارسال آن به پورتال خود بیرون کشم تا نشود این شعله های فروزان و سوزنده به شکل دیگری بیرون زند و همچنان باید یاد آوری نمایم که از مدت دوسال به اینطرف نظر به رهنمایی آقای ..... هر روز تمام نوشته های نشر شده این پورتال را می خوانم و یاد می گیرم و لذت می برم. اما این اولین جرأتی است که به خود داده ام و نوشته ام. امید که گردانندگان شریف و انقلابی پورتال آن را به گستاخی بنده ارتباط ندهند. چون بنده گستاخ، پر رو و چشم سفید نیستم. و اگر در این نوشته چیزی را خلاف معیار های نشراتی خود می بینند می توانند از نشر آن منصرف شوند.

با خواندن نوشته ای از یکی از عالمان دین اسلام که افتخار نشر در همین پورتال آزادگان را یافته بود، متوجه شدم که بنده هم باید وصیت نامه ای از خود به جای بگذارم. صرف نظر از تأکید نویسنده در مورد صبر نمودن در مقابل مصایب زندگی؟؟ که امید مصیبتی شامل حال شان نشود؛ اما مصیبت من و امثال من چیزی دیگری است که جناب عالم دین؟ از آن کوچه هم نگذشته اند؟؟ بر گردیم به وصیت نامه بنده ؛ این که چه محتوایی خواهد داشت برای من و شاید هم برای هیچ کسی مهم نباشد. چون در آن وصیت نامه شروع به بسم الله نموده و ختمش را هم الله اعلم بالصواب خواهم نمود. و مطمئن هستم کسی بر متن آن توجهی نمی دارد همین که اسلامی باشد دیگر برای شان فرقی ندارد چه نوشته شده است ؟

می روم دنبال نوشتن وصیت نامه:

از این که انسانها به همه چیز کم باورند و من خود را مجبور احساس می کنم که قبل از نوشتن وصیت نامه ام چندین

بار باید سوگند بخورم . چون الله با وجودی که در قرآن ادعا شده که همه چیز را او خلق نموده و انسان هم مخلوق او و زیر اراده و تصمیم او می باشد. انسان عاجز و بیچاره بوده و اختیاری از خود ندارد. اما این الله به همین بنده های محکوم ابدی که ادعا داشته مخلوق اوست مجبور شده برای این که آنها حرف هایش را قبول کنند سوگند بخورد؟؟ جای تعجب است. مگر نیست؟؟ روی این معیار ها من که بنده عاجز و ناتوان می باشم مجبورا باید سوگند های شدیدتر و قوی تر به تناسب سوگند های الله یاد کنم تا باشد کسی به حرف هایم باور داشته و فکر نکند من گمراه و یا مثل الله دروغگو هستم؟ اگر باز هم به سوگند هایم اعتبار داده نشد و با منطق و دلایل عقلی مرا متهم به جنون و یاهو سرائی نمودند مجبورم غرض رفع اشتباهات و سوءتفاهم ها شاهد بیاورم . اما باز هم مجبورم چهار شاهد باشد چون در موضوع غیابت یک شبهه عایشه و صفیان آیتی نازل شد که برای اثبات دعوی هر شخص باید چهار شاهد وجود داشته باشد. و فقط در همین نکته است که بر خود می بالم که اضافه تر از صد ها و هزاران شاهد دارم به آنچه می گویم راست است.

**اول باید سوگند یادکنم . برای این که وصیت نامه ام شرعی باشد . خوب :** به بی وجدانی های حضرت ابراهیم پیامبر که سارا زنتش را از حب جاه و رسیدن به ثروت به فرعون خواهرش معرفی نمود و باعث رفع شهوت فرعون گردید. قسم به بی ناموسی و تجاوز بر زن اوریا توسط داوود پیامبر ! سوگند به همخوابگی حضرت لوط علیه سلام با دو دخترش ! قسم به جنایات و کشتار بی رحمانه مظلومان بنی اسرائیل توسط موسی پیامبر . سوگند به ۴۵ خانم همبستر شده و ناشده محمد . سوگند به تمام آیاتی که راجع به رفع مشکلات زیر ناف محمد به وضاحت در قرآن آمده، سوگند به دروغ ها و کشتار مردم بی پناه از طرف جابر بن عبدالله .. به جنایات و آدمکشی های شخصی آدمخور و پست فطرت عربی به نام سعد بن وقاص حدیث گوی محمد و پولدارو چپاولگری که به محمد می گوید: مال زیاد دارم !!! و کسی نمی پرسد تو یک جاهل و شمشیر زن دزد بادیه نشین این همه مال را از کجا آوردی که امروز در وقت مرگ می خواهی تقسیم کنی؟؟

به جنایات و آدمکشی های خالد بن ولید، به سیاستمداری و فریب و اغوی مردم توسط محمد ، به عیاشی ها، چپاول و نابود ساختن دیگر اندیشان توسط بنیانگذار اسلام محمد و دنباله روان شان، به ریشک های فرانسوی و مد روز شیوخ عرب که از خوشبآوری ما مالک و صاحب میلیارد ها دالر شده اند، به دمیک زنی دنباله روان شیخک های عربی و چپلوسان درگاه شان و خلاصه به همه بی وجدانی ها، بی ناموسی ها و چپاولگری های رهروان اسلام!!!! اما ! در شکل انسانی آن سوگند به خونهای جوانان و مردم ما که در راستای آزاد شدن انسان از قید استثمار و استعمار به خاک ریخته است، سوگند به آرمان های مردم ما که توسط گلوله های آتشین استعمارگران خفه شده و زیر خاک رفته اند . سوگند به دلاورانی که با ایمان به باور مندی های انقلابی اسلحه به دست گرفتند و در راه آزادی شرف و ناموس وطن تا پای جان به پیش رفتند . سوگند به سالهای تاریک زندان دیده های ما که در کنج سلول های وحشیان قدرت طلب سپری نمودند تا من و تو آزاد باشیم !! سوگند به گریه های خون آلود و اشک های جانکاه مادران ، همسران، خواهر ان و دختران هر دم شهید و بی پناه ما که عزیزان شان را در مقاومت علیه استعمار جهانی و زور گویان دینی، وحشیان اسلامی از دست داده و سوگوار شده اند و هم چنان به فرموده و سفارش انقلابی بزرگ، سترک و نترس ما ( دانشمند، معلم ، استاد خالق داد پیمانی) به سوگند سوگند یاد می کنم:

من فرزند رنج و زحمت، محنت و محرومیت هستم. بهترین ایام جوانی ام را پشت ماشین های تولیدی گذشتاندم تا لقمه نانی برای چند چوپه های یتیم پدرم تهیه و با تربیه و تعلیم و تحصیل رشد شان دهم! آنها رشد کردند . به مدارج تحصیلی ممکن رسیدند. از لذت های ممکنه زندگی بهره مند شدند و به دست آوردند آنچه را که من جوانی ام را به پایش نثار کردم و خوشحالم از این رفع مسؤولیت انسانی ! با دیدن این همه پست های بی وجدان و آله دست پرچمی ها و

فاحشه های سیاسی و ملا و آخوند رنگارنگ، که در طول زندگی محنت بار خود از این رقاصه ها زیاد دیده ام . اما!!!! غرش توپ و طیاره و بمبارد ها هرگز نتوانسته به من آرامش فکری دهد. ضجه ها و ناله های مادران برای فرزندان به خون خفته شان در هر جا که بوده ام، بیدارم ساخته است . رشد یافته دامان جنک های(عدالت طلبانه) پیروان شوروی و مسلمانهای ناب محمدی هستم. محروم از همه نعماتی که عالمان اسلامی از برخورداری از آن خرافات می گویند و افسانه می سرایند می باشم . با پیدا نمودن پورتال «افغانستان آزاد – آزاد افغانستان» آرامش یافتم خود را قدرت مند احساس می کنم. چون می توانم صدایم را از این مجرا به سویه جهانی انعکاس دهم. پس من قدرت مند و خوشبختم اما؟؟؟؟؟ از مادیات چیزی ندارم که در باره آن وصیت نمایم؟؟

ای عالم دینی که از موهبت!! اشغال کشور سر و صدایت بلند شده است؟ مگر من و ما می توانیم در شرایطی که همه جا را بوی باروت و خون بم ها گرفته، در کوچه ها رنگ خون رنجبران را می بینی . هر روز برادرانت، برادران خون آشام و جانور صفت ! اسلامیون ناب محمدی از ما قربانی می گیرد. سربازان آن کشوری که در آن زندگی داری بر ما بم های آتشین می ریزند و اطفال، زنان، مادران، خواهران و پدران و همه چیز ما را به آتش می کشند. وقتی از خانه بیرون می شویم امید باز گشت نداریم چون آنقدر سگ های شورای نظار، طالب، گلبدینی ها . و..... سر راه ما خوابیده اند که ما امید باز گشت دو باره به خانه و کاشانه خود را نداریم؟؟ و شما عالمان دینی !! شما نماینده های استعمار! شما پا بوسان شیخک های عربی! هنوز هم مشغول شمارش خشت های مسجد مدینه، دانه های تسبیح شیوخ نیمچه ریش و فتوا های بیشرفانه هستید من شخصاً و مثل من هزاران، هر روز وصیت می دارند که : بعد مرگ من: همت داشته باشید ، فریب اسلام و اسلام بازی را نخورید. مقاومت داشته باشید و.... هرگز پستی و بی وجدانی و نوکر منشی به بیگانگان را نپذیرید

این بود و است وصیت من !!! نمی دانم این مطابق گفته های عالمان دین و اساسگذاران این دین می تواند باشد؟؟ یا نه؟؟

چیزی تعجب بر انگیز که این عالم دین فرموده در مورد : تقسیم میراث که اگر دو شاهد مسلمان پیدا نشد دو شاهد غیر مسلمان بیاورد؟؟؟ عجب دین بی وجدانی ؟ غیر مسلمان را سر می زند اما وقتی موضوع پول در میان است حتی شهادت شان هم قبول می گردد؟؟؟؟؟؟

و در حدیث عمران بن حصین آمده است: شخصی هنگام مریضی مرگ، شش غلام را که تمام ثروت او بودند آزاد کرد. ( با وجودی که باور کردن آن از عرب وحشی و چپاولگر غیر ممکن است؟؟؟) وارثانش نزد رسول خدا آمدند و شکایت کردند. محمد گفت :اگر می دانستم که چنین ستمی را مرتکب شده است بر او نماز جنازه نمی خواندم راوی میگوید:

آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم میان آن شش غلام، قرعه انداخت و دو نفر از آنان را که معادل یک سوم مال میت بود، آزاد کرد و چهار نفر دیگر را به حالت اول برگردانید

**به این می گویند عدالت اسلامی !!!** شرم به پیشوایان آن و دنباله روان این راه سیاه و تاریک.

کنون نمی دانم از چه و کدام مادیات خود وصیت دارم؟؟ من که جز رنج و محنت چیزی ندیده ام و سرمایه ام چند طفل قد و نیم قد، مقداری قرضداری ! چند قطره اشک و کوه های غم می باشد کی می خواهد که چنین سرمایه ای به جا گذاشته از من را من حیث میراث بپذیرد؟؟؟؟؟

می خواهم یکی از این مسلمان (یشمکی) چنین مسؤولیتی را بپذیرند ! و وضاحت دهند این عالم دین و امثال ایشان موجودی مثل من و میراث به جا گذاشته ام را شرعی دانسته و می دانند؟؟؟؟؟؟؟ و یا این که مقداری از ثروت های باد آورده شان را که در زمان محمد غنیمت جنگی می گفتند و فعلاً مزد سر خم نمودن ها و اطاعت بی چون و چرا از

استعمار جهانی باید نامید با من شریک می سازند؟؟؟؟ تا من هم بتوانم چیزی از مادیات شرعی به جا گذارم و وصیت نامه شرعی ترتیب دهم ؟؟؟؟؟؟

#### یادداشت:

از آنجائی که کلمه وینگانگ مرکب از دو کلمه «ویت» و «گانگ» می باشد که معنای لغوی آن در زبان انگلیسی «باند ویتنامی ها» است و جهت تحقیر نیروهای آزادیخواه ویتنامی بر آن ها گذاشته شده است. مانند کشور خود ما که هرکسی علیه امریکا و اشغال افغانستان به وسیله آنها حرف بزند، یا تروریست نامیده می شود و یا هم القاعده و طالب و بدان وسیله ماهیت مبارزات آزادیخواه مردم ما را قلب ماهیت می نمایند. .  
با آن که این نام در خارج از ویتنام به مثابه سمبول مبارزه علیه امپریالیزم امریکا هویت و معنا یافته است، مگر در اصل معنای آن به نحوی تحقیر رزمندگان ویتنامی به شمار می رود.  
به همین مناسبت، پیشنهاد صمیمانه برای همکار و خواننده گرامی ما «عارف» در کابل، این است تا در قسمت تخلص شان، من حیث احترام به خلق ویتنام تجدید نظر نمایند.  
شاد و به سلامت باشید

اداره پورتال AA-AA